

«جنگ جهانی سوم» اکران آنلاین شد



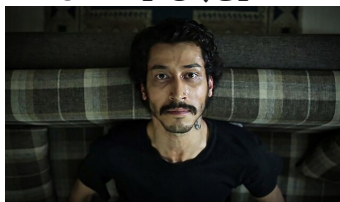
فیلم سینمایی «جنگ جهانی سوم» جدیدترین ساخته هومن سیدی به اکران آنلاین رسید. اکران آنلاین فیلم سینمایی «جنگ جهانی سوم» از سه‌شنبه ۲۷ تیر ساعت ۲۰ به صورت اختصاصی در پردیس نماوا اکران آنلاین خواهد شد. محسن تنابنده، ندا جبرئیلی، مهسا حجازی، نوید نصرتی، لطف‌الله سیفی و حاتم مشمولی از جمله بازیگرانی هستند.

درگذشت یک کارگردان در ۷۵ سالگی



«رابرت لیبرمن»، کارگردان «آتش در آسمان» درگذشت. «رابرت لیبرمن»، کارگردان آمریکایی فیلم علمی تخیلی «آتش در آسمان» و برنده جایزه انجمن کارگردانان آمریکا (DGA) در سن ۷۵ سالگی درگذشت.

عرضه فیلمی با بازی بهرام افشاری پس از ۱۰ سال



فیلم کوتاه «ته آسفالت» بعد از گرفتن پروانه نمایش، قرار است پس از ۱۰ سال عرضه شود. رضا اصغری کارگردان فیلم کوتاه «ته آسفالت» که سابقه دستیار اول کارگردانی در سریال «مختارنامه» را دارد درباره اثر خود بیان کرد: این فیلم سال ۹۲ ساخته شده ولی در نهایت سال گذشته توانستیم پروانه نمایش آن را دریافت کنیم و حالا پس از ۱۰ سال می‌توانیم آن را نمایش دهیم.

بی‌نظمی کنسرت مجید سالاری را لغو کرد؛ نه صدای زنانه!



در پی لغو کنسرت مجید سالاری در فرهنگسرای نیلوران و حواشی پس از آن، فرهنگسرای نیلوران بیانیه‌ای را در واکنش به این اتفاق منتشر کرده است و علت لغو این کنسرت را بی‌نظمی، عدم همکاری و تاخیر یک ساعته در شروع برنامه که منجر به اعتراض گسترده مخاطبین شده، اعلام کرده است.

محمد کاظم فیروزمند درگذشت



محمد کاظم فیروزمند خلخانی، نویسنده و مترجم در ۷۷ سالگی از دنیا رفت. خانه اندیشمندان علوم انسانی با اعلام این خبر نوشته است: «سیدمحمد کاظم فیروزمند نویسنده و مترجم برجسته کتاب‌های تاریخ سیاسی ایران درگذشت.»

گفت‌وگو با تصویربردار سریال علیرضا امینی

«قهوه ترک»؛ سختی کار در کشتی تفریحی و هزینه بالای سفر به ترکیه



تصویربردار سریال «قهوه ترک» از چالش‌های ساخت این سریال شبکه نمایش خانگی در کشور ترکیه گفت. او در عین حال از تجربه همکاری با علیرضا امینی - کارگردان «قهوه ترک» - و تیم سریال با تمام دشواری‌ها ابراز خرسندی و رضایت می‌کند. محمد رسولی، تصویربردار سریال در حال پخش «قهوه ترک» در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به همکاری‌اش به عنوان

مدیر تصویربرداری در این سریال توضیح داد: حضورم در این پروژه بسیار تصادفی و در کمتر از یک هفته اتفاق افتاد. البته از قبل در جریان قصه کار بودم و فیلمنامه برایم جذاب بود به علاوه کار کردن در شهر زیبای استانبول که برای هر فیلمبرداری وسوسه‌انگیز است. **بزرگترین چالش «قهوه ترک»** وی درباره بزرگ‌ترین چالشی که

خواننده‌ای که جنگ صدایش را گرفت!

در جهان موازی رضا سقایی باید امروز ۸۴ ساله بود و خودش از خاطرات روزهای جنگ، ترانه «موتورچی» و یا همان «دایه‌دایه وقت جنگه» با آب و تاب تعریف می‌کرد اما امروز که شما این گزارش را می‌خوانید، او ۱۳ سال است که در آرامستان خرم‌آباد آرمیده است. سقایی در خرم‌آباد به دنیا آمده بود و در طول زندگی‌اش تحصیلات چندانی کسب نکرد و در حد ۴ کلاس ابتدایی سواد داشت. با کشف استعداد او توسط محمد رایگان (گوینده رادیو) به بی‌سیم ارتش در قلعه فلک‌الافلاک رفت و پس از مدتی توسط حمید ایزدپناه به رادیو تهران معرفی شد. حاصل این آشنایی دو ترانه «گندم‌خر» و «کوش‌طلا» بود. او در طول زندگی هنری خود با نوازندگانی چون مجتبی میرزاده و فرج علیپور همکاری داشت. به

تشویق عبدالله غیبی (فیلمساز لرستانی) بر اساس موسیقی متن فیلم «میراث» پس از اکران ترانه‌های لری را با سازهای غربی اجرا کرد و در همان اثر ترانه «دایه‌دایه» مهم‌ترین اثر خود را به یادگار گذاشت.

رضا سقایی و پایان روزهای خوانندگی

رضا سقایی که همیشه خدمت به مردم را افتخار خود می‌دانست و هنوز هم مردم دیار لرستان در لحظات غمگین زندگی‌شان ترانه «موتورچی» را زمزمه می‌کنند، یک روز ورق زندگی‌اش تغییر کرد. در سال ۱۳۶۶ وقتی ایران درگیر جنگ تحمیلی بود، بر اثر بمباران شهر ازنا ترانه‌های صوتی این هنرمند آسیب دید و این پایان خوانندگی رضا سقایی بود. تا پیش از انقلاب ۱۳۵۷ کاست‌هایی البته بدون عنوان به صورت غیررسمی از طرف شرکت‌های مختلف از طرف شرکت سی‌بی‌اس به صورت سیستم دالبی حرفه‌ای از سقایی

خاطره‌نگاری برای سالروز درگذشت خسرو شکیبایی

بود: «آدم‌هایی مانند خسرو باعث می‌شوند رفتار، منش، شکل کار کردن و از خودگذشتگی را یاد بگیریم.» این بازیگر سینما با یادآوری ۲۸ تیر ماه ۸۷ روز تلخ درگذشت خسرو شکیبایی یادآور شده بود: «در شمال بودم که ساعت ۸ صبح موبایلم زنگ خورد و نام شکیبایی روی آن افتاد. گوشی را برداشتم و سلام کردم. صدایی که شنیدم شبیه خسرو بود اما او نبود. گفت من خسرو نیستم، پویا پسر خسرو هستم. شوکه شدم و او ادامه داد: خسرو فوت شد. خسرو برایم بسیار مهم بود. شاید تنها در دو کار «شکار» و «روانی» را با هم همکاری داشتیم اما بیشتر از خود کار رفاقت کردیم. قبل از

مردم، مردم، گفت‌وگویی سالها قبل درباره‌ی تماشاگران فیلم‌هایش این جملات را مطرح کرد و گفته بود: «ما محصل نیروی ذهنی و خاطرات عزیز مردم هستیم. هنر بدون مردم مثل درخت بدون ریشه است. بازیگر بدون تماشاگر یعنی هیچ.» **پرویز پرستویی: خسرو شکیبایی از جان گذشته بود** و در ادامه به یادداشت پرویز پرستویی که در نهمین سالروز درگذشت این بازیگر برای ایسنا نوشته بود، برمی‌خوریم و آن را بازنشر می‌کنیم. پرویز پرستویی با یادآوری عشق خسرو شکیبایی به کارش گفته

جای استانبول با این مقوله آشنا هستند و متعاقباً بابت هر کمکی چشم‌داشت مالی دارند اما در ایران به این شکل نیست و شما در اکثر مناطق با نهایت همکاری مردم مواجه می‌شوید. او درباره سکانس‌هایی که در کشتی تفریحی تصویربرداری شده بود، توضیح داد: همان‌طور که گفتیم در ترکیه امکان دخل و تصرف در لوکیشن‌ها نشدنی و یا با هزینه بالا همراه بود به همین دلیل مجبور بودیم در اغلب مواقع تسلیم شرایط حاکم باشیم، لاجرم این الگوی اولیه من در بحث نورپردازی غالب صحنه‌ها شد.

رسولی خاطرنشان کرد: کار کردن در یک کشتی در حال حرکت آن هم در سرمای زمستان با بادهای دریای ترکیه همه را خسته و کلافه کرده بود با این‌حال برای تصویربرداری سکانس‌های کشتی تفریحی به واسطه ابزاری که در اختیار داشتیم به آنچه مدنظر بود، رسیدیم.



چرا «دایه دایه» ماندگار شد؟ «دایه دایه» تلفیقی از دو مضمون عاشقانه و حماسی است و همین موضوع شور و شکوه خاصی به این ترانه بخشیده است. گفته می‌شود، این شیوه‌ی نظامی‌خوانی که بیشتر در منظومه خسرو شیرین یا گفت‌وگوی خسرو با فرهاد خوانده می‌شود، در میان لره‌ای بختیاری نیز بسیار معمول است؛ در ترانه «دایه دایه» نام اشخاص و مکان‌ها همه دارای چنین مضمون‌هایی هستند.



بود درباره برنامه‌های خسرو تصمیم بگیریم اما سعی کردیم آنچه در شأن او بود اتفاق بیفتد.» پرستویی درباره روز تشییع هم یادآور شده بود: «آن روز هم بسیار عجیب بود و شلوغی بیش از حد باعث شد پیکر خسرو مخفیانه از درب پشت تالار وحدت وارد و بعد از آن به جای آمبولاس با پاترول از پشت تالار به بهشت زهرا (س) منتقل شود و خودم هم با موتور به آنجا رفتم.

ورودم به عرصه بازیگری به دیدن تئاترهای حرفه‌ای می‌رفتم و شیفته بازی خسرو بودم و صدای دلنشین او همچنان در گوشم طنین‌انداز است. به سرعت از شمال راهی تهران شدم و از همان جا به کسانی که می‌شناختم این خبر بد را منتقل کردم و در عرض یک ساعت دنیا خبردار این اتفاق ناگوار شد. به خانه سینما رفتم و در آنجا علیرغم اینکه بسیار سخت